

هوش مصنوعی برای خودش یادداشت نوشت!

با اینکه پیشرفت‌های اخیر در هوش مصنوعی نویدبخش افزایش قابل توجه بهره‌وری در بخش‌های مختلف اقتصاد

است، این مساله همزمان نگرانی‌ها در مورد جابه‌جایی نیروی کار و در نهایت رفاه انسان را نیز افزایش داده است. به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده است بشریت برای این احتمال آماده شود که به‌زودی به هوش عمومی مصنوعی (Artificial General Intelligence) دست پیدا می‌کنیم که می‌تواند تمام وظایف شناختی را در سطوح انسانی انجام دهد و دارای توانایی شناختی، درک، یادگیری و به کارگیری دانش به شیوه‌ای مشابه با هوش انسانی در طیف وسیعی از وظایف است. هوش عمومی مصنوعی با توانایی پردازش سریع حجم وسیعی از داده‌ها، انجام وظایف پیچیده و تصمیم‌گیری هوشمندانه، می‌تواند به پیشرفت‌هایی در نوآوری، حل مساله و تحقیق و توسعه منجر شود. همچنین این شکل خاص هوش مصنوعی این پتانسیل را دارد که بهره‌وری و کارایی را در کسب‌وکارها یا خودکارسازی وظایف معمول، ساده‌سازی فرآیندها و بهینه‌سازی تخصیص منابع افزایش دهد. کسب‌وکارها با استفاده از ابزارها و الگوریتم‌های مبتنی بر هوش عمومی مصنوعی، می‌توانند فرصت‌های جدید را شناسایی کنند، روندهای بازار را پیش‌بینی کنند و محصولات، خدمات و مدل‌های کسب‌وکار نوآورانه‌ای را توسعه دهند که نیازها و ترجیحات مشتری را برآورده می‌کند. همچنین هوش عمومی مصنوعی کسب‌وکارها را قادر می‌سازد تا از طریق سیستم‌های توصیه و پردازش زبان طبیعی، تجربیات شخصی‌سازی‌شده و متناسب را به مشتریان ارائه دهند و با تجزیه و تحلیل داده‌ها و الگوهای رفتاری مشتری، ترجیحات فردی را پیش‌بینی کنند و توصیه‌های هدفمند ارائه دهند که سبب بهبود رضایت و وفاداری مشتری می‌شود.

احتمال دست‌یافتن به هوش عمومی مصنوعی، این پرسش اساسی را برمی‌انگیزد که انتقال به هوش عمومی مصنوعی در زمینه بهره‌وری و دستمزد چه معنایی دارد؟ تاثیر هوش عمومی مصنوعی بر دستمزدها به عوامل مختلفی بستگی دارد. از یک‌سو، هوش عمومی مصنوعی می‌تواند به اتوماسیون بسیاری از وظایفی منجر شود که در حال حاضر توسط انسان انجام می‌شود و به طور بالقوه سبب جابه‌جایی کارگران در صنایع خاص و رکود دستمزدها یا حتی کاهش آنها می‌شود؛ به‌ویژه برای مشاغل که مهارت کمتری را به‌احتیاج می‌تواند هوش مصنوعی قابل جایگزینی هستند. از سوی دیگر، هوش عمومی مصنوعی می‌تواند فرصت‌های شغلی جدیدی با دستمزدهای بالاتر ایجاد کند و تقاضا برای کارگران بسیار ماهر را افزایش دهد که می‌توانند سیستم‌های هوشمند را توسعه دهند و مدیریت کنند. به کارگیری هوش عمومی مصنوعی ممکن است مستلزم تغییر نیروی کار و مهارت‌آموزی مجدد باشد تا اطمینان حاصل شود که کارکنان قابلیت‌های لازم برای سازگاری و همکاری موثر با سیستم‌های هوشمند را دارند.

آنتون کورینک (Anton Korinek)، استاد تمام اقتصاد و دانشکده تجارت دانشگاه ویرجینیا، یکی از پیشگامان تحلیل و بررسی پیامدهای اقتصادی توسعه هوش مصنوعی در جهان است. او در مقاله جدیدی به همراه دونگیون سو (Donghyun Suh) با عنوان «سناریوهایی برای انتقال به هوش عمومی مصنوعی»، تاثیر اقتصادی گذار به هوش عمومی مصنوعی بر تولید و دستمزد را مدل کرده است. آنها در این مقاله کار را متشکل از وظایفی نشان می‌دهند که از نظر پیچیدگی محاسباتی متفاوت هستند و نشان می‌دهند که چگونه رشد نمایی در قدرت محاسباتی و مفروضات مختلف در مورد توزیع پیچیدگی وظایف به سناریوهای به طور چشمگیری متفاوت برای نتایج اقتصادی اتوماسیون و ظهور هوش عمومی مصنوعی تبدیل می‌شوند. برای مثال، آنها نشان می‌دهند که اگر پیچیدگی محاسباتی وظایفی که انسان می‌تواند انجام دهد محدود باشد، آنگاه دستمزدها در ابتدا افزایش می‌یابد، زیرا ماشین‌ها نیروی انسانی بیشتری را جابه‌جا می‌کنند، اما در نهایت حتی قبل از رسیدن به هوش عمومی مصنوعی کامل از بین می‌روند.

پیامدهای اقتصادی هوش عمومی مصنوعی برای کسب‌وکارها به طور کلی به عواملی مانند آمادگی فناوری، قابلیت‌های سازمانی، محیط نظارتی و ملاحظات اخلاقی بستگی دارد. در حالی که هوش عمومی مصنوعی فرصت‌های قابل توجهی را برای ایجاد ارزش و تمایز رقابتی ارائه می‌دهد، چالش‌هایی را نیز از نظر پیچیدگی پذیرش، مضامین اخلاقی و تاثیرات اجتماعی-اقتصادی ایجاد می‌کند. در نهایت، تاثیر کلی هوش عمومی مصنوعی بر رفاه انسان به نحوه توزیع مزایا و هزینه‌های آن در جامعه بستگی دارد. اگر منافع اقتصادی حاصل از هوش عمومی مصنوعی در میان بخش کوچکی از جمعیت متمرکز شود، در حالی که دیگران جابه‌جایی شغلی یا دستمزدهای را کم در تجربه کنند، می‌تواند نابرابری درآمد و تنش‌های اجتماعی را تشدید کند. با این حال، اگر هوش عمومی مصنوعی به گونه‌ای به کار گرفته شود که رشد فراگیر، دسترسی عادلانه به فرصت‌ها و ارتقای قابلیت‌های انسانی را ارتقا دهد، پتانسیل بهبود استانداردهای کیفیت زندگی را دارد. از این‌رو لازم است سیاستگذار زمینه‌های حقوقی و نهادی لازم را برای گذار به دوران جدیدی که تاثیرات شگرفی بر بازار کار و پیامدهایی جدی برای رفاه عمومی دارد آماده کند.